

عبارت زیر، با چند بیت از ابیات زیر، قربت مفهومی دارد؟

«این قصه عجیب‌ترین قصه‌هاست، زیرا که در بدایت، بند و چاه بود و در نهایت، تخت و گاه بود.»

الف) عزیز مصر به رغم برادران غیور / ز قعر چاه برآمد به اوج ماه رسید

ب) عزیزتر نیّم از یوسف درست‌سخن / که جایگاهش گه جاه و گاه زندان بود

ج) کدام دلو فرو رفت و پُر برون نامد / ز چاه یوسف جان را چرا فغان باشد

د) روی یوسف تا کبود از سیلی اخوان نشد / همچو رود نیل بر مصرش روان، فرمان نشد

هـ) حکمت لم یزلی، یوسف کنعانی را / گر به زندان فکند، کامروا نیز کند

(۴) پنج

(۳) چهار

(۲) سه

(۱) دو

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک ابیات «الف، ج، د، هـ»

عزت پس از دلت و فرج بعد از شدت است.

در بیت «د»، می‌توانیم هر دو فعل منفی را مثبت کنیم و چنین معنی نماییم، چون یوسف از برادران سیلی خورد (رنج

و صدمه دید) بعدها فرمانش بر همه کشور مصر جاری شد (پادشاه گردید)

مفهوم بیت «ب»: اشاره به گرفتاری‌های حضرت یوسف (ع) بدون بیان دوران غرت و کامروایی او

مفهوم کدام گزینه با بیت «فروغ رویت اندازی سوی خاک / عجایب نقش‌ها سازی سوی خاک» قرابت دارد؟

۱) این عمه عکس می و نقش نگارین که نمود / یک فروغ رخ ساقی است که در جام افتاد

۲) عکس روی تو چو در آینه جام افتاد / عارف از خنده می در طمع خام افتاد

۳) در خم زلف تو آویخت دل از چاه زنج / آه کز چاه برون آمد و در دام افتاد

۴) آن شد ای خواجه که در صومعه بازم بینی / کار ما با رخ ساقی و لب جام افتاد

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک بیت صورت سوال و گزینه «۱»، در مورد آفرینش مخلوقات گوناگون است

که همگی از فروغ روی اوست.

مفهوم آیه «و فی الارض آیات لِلْمُوقِنِینَ وَ فی انفسکم افلا تبصرون» در کدام گزینه نیست؟

(۱) یار بی‌پرده از در و دیوار / در تجلی است یا اولی‌البصار

(۲) شیدا از آن شوم که نگارم چو ماه نو / ابرو نمود و جلوه‌گری کرد و رو بیست

(۳) کی رفته‌ای ز دل که تمنا کنم تو را / کی بوده‌ای نهفته که پیدا کنم تو را

(۴) جلوه‌گاه رخ او دیده من تنها نیست / ماه و خورشید همین آینه می‌گردانند

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. مفهوم آیه صورت سؤال، این است که «جهان هستی و درون انسان تجلی‌گاه خداوند

است» که در گزینه‌های «۱، ۳ و ۴» نیز همین مفهوم وجود دارد. گزینه «۲»، می‌گوید: معشوق لحظه‌ای کوتاه خود را به

من نشان داد و عاشقم کرد و پنهان شد.

مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

(۱) بگفتا به جوی آب رفته نیاید / نیابی مرا، گرچه عمری بجویی

(۲) اگر صد تیر بر جان تو آید / چو تیر از شست او باشد خطا نیست

(۳) سخن گفته دگر باز نیاید به دهن / اول اندیشه کند مرد که عاقل باشد

(۴) به صدف باز نگردد گوهر از دامن بحر / مهر از این حقه گوهر به تأمل بردار

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک ابیات مرتبط: توصیه به اندیشه کردن در کارها به دلیل قابل بازگشت نبودن و جبران ناپذیری عمل انجام شده.

در گزینه «۲» شاعر می گوید: اگر صد تیر از جانب معشوق به عاشق روانه شود، هیچ مشکلی ندارد.

ترتیب توالی ابیات به لحاظ داشتن وادی‌های «استغنا، فنا، توحید، عشق» در کدام گزینه درست آمده است؟

(الف) بحر کَلّی چون به جنبش کرد رای / نقش‌ها بر بحر کی ماند به جای؟

(ب) چون بسی باشد یک اندر یک مدام / آن یک اندر یک، یکی باشد تمام

(ج) هشت جنت نیز اینجا مرده‌ای است / هفت دوزخ همچو یخ افسرده‌ای است

(د) کس در این وادی به جز آتش مباد / وانک آتش نیست عیشش خوش مباد

(۱) ب، ج، د، الف

(۲) الف، ب، د، ج

(۳) ج، ب، الف، د

(۴) ج، الف، ب، د

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. به ترتیب وادی استغنا از بیت «ج»، وادی فنا از بیت «الف»، وادی توحید از بیت «ب»، و

وادی عشق از بیت «د» یافت می‌شود.

در قطعه شعر «این نخستین بار شاید بود / کان کلید گنج مروارید او گم شد» منظور شاعر از «کلید گنج مروارید» در کدام بیت آمده است؟

- ۱) داغ حسرت سوخت جان آرزومند مرا / آسمان با اشک غم آمیخت لبخند مرا
- ۲) گنج عشق تو نهان شد در دل ویران ما / می‌زند شعله دائم آتشی در جان ما
- ۳) عشق که اندر خزانۀ دو جهان نیست / در بن صندوق سینه گنج خزانه است
- ۴) کلید گنج سعادت زبان خاموش است / صدف به مزد خموشی گهر ز نیسان یافت

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. «کلید گنج مروارید» همان لبخند است که از لبان رستم دور گشته است و غم، جای آن را گرفته است.

در همه گزینه‌ها به جز حذف فعل به قرینه معنوی صورت گرفته است.

(۱) اگر شکست خُم و می به خاک ریخت چه باک؟ / می تو باد که من زائر تو میکده‌ام

(۲) پیش ارباب بصیرت گفت و گوی عشق و عقل / هست چون بیداری و خواب گران از هم جدا

(۳) نه عجب که قلب دشمن شکنی به روز هیجا / تو که قلب دوستان را به مفارقت شکستی

(۴) خجل آن کس که رفت و کار نساخت / کوس (طبل) رحلت زدند و بار نساخت

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. بیت یک جمله است و فعل آن حذف نشده است: «پیش ارباب بصیرت گفت و گوی عشق

و عقل چو بیداری و خواب گران از هم جدا است.»

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: پایان مصراع اول فعل «است» به قرینه معنوی حذف شده است.

گزینه «۳»: فعل «است» بعد از واژه «عجب» به قرینه معنوی حذف شده است.

گزینه «۴»: فعل «باشد» در مصراع اول به قرینه معنوی حذف شده است.

تعداد ترکیب‌های وصفی در مقابل همه ابیات درست بیان شده است، به جز

- (۱) که می‌داند که خشت هر سرایی / کدامین سروقد نازنین است (سه)
- (۲) ای همه شکل تو مطبوع و همه جان تو خوش / دلم از عشوۀ شیرین شکرخای تو خوش (چهار)
- (۳) با چون تو حریفی به چنین جای در این وقت / گر باده خورم خمر بهشتی نه حرام است (دو)
- (۴) در وهم نیاید که چه دل‌بند و چه شیرین / در وصف نیاید که چه مطبوع و چه زیباست (چهار)

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ترکیب‌های وصفی گزینه «۳» عبارت‌اند از: «چنین جای، این وقت، خمر بهشتی» ← ۳
تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: «هر سرایی، کدامین سروقد، سروقد، سروقد نازنین» ← ۳ ترکیب وصفی

گزینه «۲»: «همه شکل، همه جای، عشوۀ شیرین، عشوۀ شکرخای» ← ۴ ترکیب وصفی

گزینه «۴»: «چه دل‌بند، چه شیرین، چه مطبوع، چه زیبا» ← ۴ ترکیب وصفی

نقش «تبعی» در کدام گزینه کم‌تر به کار رفته است؟

۱) بصیرت‌ها گشاده هر نظر حیران در آن منظر / دهان پر قند و پر شکر تو خود باقیش را برگو

۲) ز عشقت بی‌قرار آید دل و تن / شود اسرار کلی جمله روشن

۳) پادشاهها، چو دل از غیر تو پرداخته‌ام / لطف کن دمی با من بیدل پرواز

۴) تو خود به جوشن و برگستوان نه محتاجی / که روز معرکه بر خود زره کنی مو را

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. گزینه «۳»: «لطف» تکرار (تکرار مفعول) / بدل یا معطوف ندارد.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: «پرقند و پر شکر» معطوف / «تو خود» بدل

گزینه «۲»: «دل و تن» معطوف / «جمله» بدل

گزینه «۴»: «تو خود» / بدل / «جوشن و برگستوان» ← معطوف

در همه ابیات به جز «حرف پیوند وابسته ساز و هم پایه ساز» هر دو، به کار رفته است.

(۱) روز هجرانت بدانستم قدر شب وصل / عجب ار قدر نبود آن شب و نادان بودم

(۲) کسی کش آن زبان در آستین است / زبانش هست اما آتشین نیست

(۳) سرگشته چو چوگانم و در پای سمندت / می افتم و می گردم چون گوی به پهلوی

(۴) دلم به جان غم عشق تو می کشد تا هست / ولی تنم ز ضعیفی و لاغری نکشد

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. حرف ربط هم پایه ساز: و / حرف ربط وابسته ساز: ندارد

توجه: واژه های «چو» و «چون» در معنای «مثل و مانند» به کار رفته و حرف اضافه محسوب می شوند.

تشریح گزینه های دیگر

گزینه «۱»: حرف ربط وابسته ساز: ار (اگر) - حرف ربط هم پایه ساز: و

گزینه «۲»: حرف ربط وابسته ساز: (کش = که اش = او) - حرف ربط هم پایه ساز: اما

گزینه «۴»: حرف ربط وابسته ساز: تا - حرف ربط هم پایه ساز: ولی

در کدام گزینه آرایه‌های «ایهام، تناسب، تشبیه» وجود ندارد؟

- (۱) به هیچ دور نخواهند یافت هشیارش / چنین که حافظ ما مست باده ازل است
- (۲) زلف تو مرا عمر دراز است، ولی نیست / در دست، سر مویی از آن عمر درازم
- (۳) مکن به شمع مه و مهر نسبت رخ دوست / که فرق‌هاست بسی نور آشنایی را
- (۴) حافظ از بهر تو آمد سوی اقلیم وجود / قدیمی نه به وداعش که روان خواهد شد

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. «شمع مه و شمع مهر» تشبیه / «مه، مهر (خورشید)، نور» تناسب
تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: دور دو معنا دارد: ۱- روزگار ۲- گردش جام، ایهام دارد. / مست و باده: تناسب / باده ازل: تشبیه

گزینه «۲»: «زلف تو مرا عمر دراز است»: تشبیه / «سر، مو، دست» و «سر، زلف، دست» تناسب / سر مویی: ایهام

گزینه «۴»: «اقلیم وجود» تشبیه / قدم و روان شدن (رفتن): تناسب / «روان خواهد شد» ایهام دارد: ۱- خواهد رفت ۲-

خواهد مُرد

در همه ابیات به استثنای بیت آرایه «تلمیح» به کار رفته است.

- (۱) هر کسی را نرسد از تو تمنای وصال / آشیان بر ره سیمرخ چه سازد مگسی
- (۲) همچو یوسف بگذر از زندان و چاه / تا شوی در مصر عزت پادشاه
- (۳) تو نمی دانی که هر کاو زاد مرد / شد به خاک و هر چه بودش باد بود
- (۴) خاک ما گِل کرد در چل بامداد / بعد از آنان را درو آرام داد

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۲»: اشاره به داستان حضرت یوسف (ع)

گزینه «۳»: اشاره به «کلّ نفس ذائقة الموت»

گزینه «۴»: اشاره به آفرینش انسان از خاک و گِل

کدام گزینه آرایه‌های بیت زیر را نشان می‌دهد؟

«در راه غمت هست به کف جان جهانی / گرم است به سودای تو بازار محبت»

(۱) استعاره، مراعات نظیر، اسلوب معادله، جناس، مجاز

(۲) تشبیه، تلمیح، ایهام، تشخیص، ایهام تناسب

(۳) حس آمیز، اغراق، استعاره، کنایه، حسن تعلیل

(۴) مجاز، کنایه، تشبیه، جناس، ایهام تناسب

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. مجاز: جهان ← مردم / کنایه: جان به کف بود ← آماده جان فشانی بودن / تشبیه: بازار محبت (اضافه تشبیهی) / جناس: جان و جهان / ایهام تناسب: سودا ← ۱- عشق (معنای مورد نظر) ۲- داد و ستد (با بازار تناسب دارد).

پدیدآورنده کدام اثر نادرسیت است؟

۱) «پیوند زیتون بر شاخه ترنج» از موسوی گرمارودی، «اخلاق محسنی» احمد بن محمد بن زید طوسی

۲) سمفونی پنجم جنوب» از نزار قبّانی، «داستان‌های دل‌انگیز ادب فارسی» از زهرا کیا

۳) «مائده‌های زمینی» از آندره ژید، «سیاست‌نامه» از خواجه نظام الملک توسی

۴) «بینوایان» از ویکتور هوگو، «اسرار التوحید» از محمد بن منور

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. «اخلاق محسنی» از حسین واعظ کاشفی است.

در ابیات کدام گزینه غلط املائی می‌یابید؟

- (الف) کردگارش کرد مخذول و تو مستغنی ز جنگ / روزگارش کرد مقهور و تو فارغ ز انتقام
(ب) زاهدی بینی که بگذارد به طاعت عمر خویش / آن همه طاعت به یک زلت بر او گردد و وبال
(ج) به عرش نسبت این آستان چگونه کنم / بری است دامنش از گرد ذلت اشباح
(د) رخصتی تا که زخم شعله بر این جیش لثیم / که مرا بردن فرمان تو فخری است عظیم
(هـ) دریغا گنجۀ خرم که اکنون جای ماتم شد / که از فرّ چنین صدری فراغ افتاد فرجامش

(۱) الف، ب (۲) ب، ج (۳) الف، د (۴) هـ، ج

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. غلطهای املائی و شکل درست آنها:

(هـ) فراغ ← فراق / ج) اشباح ← اشتباه

درمتن زیر املاى چند واژه نادرسبت آمده است؟

«پس از آن عرش را آفرید، کرسی را برقرار ساخت و دو قدم را در آن گزارد و بر همه چیز قالب گشت و قادر، پس

قلم عزم در مُرگب علم غوطه‌ور گشت و به دست قدرت، در لوح محفوظ مصون، نوشت.»

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. دو قدم را در آن گزارد ← گزارد (= نهاد، قرار داد) / بر همه چیز قالب گشت ← غالب

(= چیره)

درمیان واژه‌هایی داده شده، معنای چند واژه درست است؟

«پلاس (گلیم نازک)، مُنگر (انکارکننده)، بدسگال (بدخواهی)، غایی (نهایی)، مبتنی (ساخته)، عامل (حاکم)، آورد

(کارزار)، وقاحت (بی‌شرم)، زه (وتر)»

(۱) دو

(۲) سه

(۳) چهار

(۴) پنج

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. معنای پنج واژه صحیح آمده است.

موارد: نادرست و صحیح آنها عبارتند از: پلاس: جامعه‌ای کم ارزش، گلیم درشت و کلفت / مُنگر: زشت، ناپسند /

بدسگال: بدخواه، بداندیش / وقاحت: بی‌شرمی

در کدام گزینه معنی برخی از واژه‌ها نادرست است؟

۱) (اشرف: افراشته‌تر)، (سندروس: صمغی زرد رنگ)، (خور: زمین پست)

۲) (جلال: زنگوله‌ها)، (خلنگ: علف جارو)، (چاره‌گر: مدبّر)

۳) (گبر: خفتان)، (پدرام: نیکو)، (دمان: هولناک)

۴) (برگاشتن: برگردانیدن)، (عرش: خیمه)، (سپردن: طی کردن)

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. خلنگ: درختی است بسیار سخت که از چوب آن نیزه و تیر سازند. (خلنگ: علف جارو)

معنای واژگان در کدام گزینه صحیح آمده است؟

الف) عماد: نگاه دارنده

ب) اکناف: کناره

ج) آژگار: تمام و کامل

د) وخامت: ترسناک

۱) ج، الف

۲) ب، د

۳) الف، ب

۴) د، ج

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در قسمت «الف، ج» معنای واژگان صحیح آمده است.

معنای صحیح سایر واژگان:

ب) اکناف: ج کنف، اطراف، کناره‌ها / د) وخامت: خطرناک بودن، بدفرجامی

مفهوم بیت «هر آن وصفی که گویم، بیش از آنی / یقین دانم که بی شک، جانِ جانی» در کدام گزینه آمده است؟

- ۱) خود نه زبان در دهان عارف مدهوش / حمد و ثنا می کند که موی بر اعضا
- ۲) هر کس به تو ره یافت ز خود گم گردید / آن کس که تو را شناخت خود را نشناخت
- ۳) بلا شد درک حسن خال و خط ما هوشمندان را / به عشق ما کند صیاد، دام و دانه آرایی
- ۴) نتوان وصف تو گفت که تو در فهم نگنجی / نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک بیت صورت سؤال و گزینه‌ی «۱» آن است که خدا قابل توصیف و در حد ادراک ما نیست.

مفهوم کدام گزینه با عبارت «از ماست که بر ماست» در تقابل است؟

(۱) خرمن خود را به دست خویشتن سوزیم ما / کرم پيله هم به دست خویشتن دوزد کفن

(۲) او را خود التفات نبودش به صید من / من خویشتن اسیر کمند نظر شدم

(۳) این بود نصیب ما ز دیوان قضا / ما را چه گنه قسمت ما این کردند

(۴) به دست خود دل خود کرده‌ام ریش / پشیمانی چه سود از کرده خویش

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. مفهوم عبارت صورت سوال این است که هر مشکلی که برای ما پیش می‌آید، باعث آن

خودمان هستیم، درحالی که در گزینه «۳» شعر معتقد است که تقدیر، تعیین کننده است و ما مقصّر نیستیم.

کدام گزینه با مفهوم بیت «خویش را دیدند سیمرغ تمام / بود خود سیمرغ، سی مرغ تمام» قرابت دارد؟

(۱) گاهی به جوی دوست چو آب روان خوشیم / گاهی چو آب حبس شدم در سبوی دوست

(۲) چون جان جان وی آمد از وی گزیر نیست / من در جهان ندیدم یک جان عدوی دوست

(۳) بگدازدت ز ناز و چو مویت کند ضعیف / ندهی به هر دو عالم یکتای موی دوست

(۴) با دوست ما نشسته که ای دوست دوست کو / کو همی زنیم ز مستی به کوی دوست

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک بی صورت سؤال و گزینه «۴» این است که حقیقت خداوند در وجود هر

انسان نهفته است و هرکس برای یافتن او باید به سیر در خویشتن پردازد.

مفهوم بیت «آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام / بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد» با کدام گزینه تناسب دارد؟

- (۱) به آب تیغ تشنه است مرغ دلم / که نیم کشته به خون چند بار برگردد
- (۲) هیچ کس دیدی که خواهد در دمی صد بار مرگ / مرگ را من خواستارم، مرگ به زین زندگی
- (۳) خدنگ چارپر مرگ باز نتوان داشت / هزار تو اگر ت درع و جوشن و سپر است
- (۴) اندرین معنی مگر صد جان برند / مرد آن دان کاو به پیش از مرگ مُرد

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. «حتمی بودن مرگ» پیام مشترک بیت صورت سؤال و گزینه «۳» است. تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۱»: چون نیم کشته عذاب می کشد، تشنه مرگ هستم تا آسوده شوم.

گزینه «۲»: مرگ را از این زندگی بهتر می دانم.

گزینه «۴»: کسی که پیش از مرگ به حساب اعمال خود می رسد، انسان واقعی است.

مفهوم کدام گزینه با بیت «هر که با پولاد بازو، پنجه کرد / ساعد مسکین خود را رنجه کرد» تناسب دارد؟

(۱) انگشت مکن رنجه به در کوفتن کس / تا کس نکند رنجه به در کوفتنت مشیت

(۲) این همه زورآوری و مردی و شیری / مرد ندانم که از کمند تو جسته است

(۳) از دست دیگران چه شکایت کند کسی / سیلی به دست خویش زند بر قفای خویش

(۴) تو با شیران چرا شیری نمایی / که با گور دمنده برنیایی

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. مفهوم صورت سوال این است که هر که با قوی‌تر از خود بجنگد، محکوم به شکست

است و قریب این مفهوم در گزینه «۴» نیز دیده می‌شود.

در کدام گزینه مفهوم دو بیت با یکدیگر تناسب دارد؟

(۱) تا خار غم عشقت آویخته در دامن / کوتاه نظری باشد رفتن به گلستان‌ها

زیر سر بالش دیباست تو را کی دانی / ک من از خار و خس بادیه بستر کردم

(۲) می‌سوزم و می‌سازم از ت آن روی که چون عود / کار من دلسوخته از سوز به ساز است
بسوز ای دل که تا خامی نیاید بوی دل از تو / کجا دیدی که بی‌آتش کسی را بوی عود آید؟

(۳) این همه گفتیم لیک اندر بسیج / بی‌عنایات خدا هیچیم هیچ

عنایتی که تو را بود اگر مبدل شد / خلیل‌پذیر نباشد ارادتی که مراست

(۴) کبوتری که دگر آشیان نخواهد دید / قضا همی بردش تا به سوی دانه و دام

چون ز میدان قضا تیر بلا گشت روان / جان سپر سازد مردانه و پنهان نشود

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک دو بیت گزینه «۲»: ارزشمند شدن و سامان یافتن با پذیرش رنج و دلسوختگی.